



روایت غرب از حال و روز سلفی ها

ترجمه ۵ یادداشت برگزیده درباره سلفی ها در مصر، سوریه، الجزایر، قرقیزستان و تونس

سید محمد اسلامی

سلفی ها چه کسانی هستند؟ چه می کنند و چه می خواهند؟ منابع مالی شان کجاست و چه کسانی از آن ها حمایت می کنند؟ این ها ساده ترین پرسش هایی است که درباره پدیده مشترک بسیاری از درگیری های نظامی و سیاسی امروز جهان اسلام به ذهن می رسد. آن چه پیش روی شماست پاسخ برخی از پژوهشگران به این پرسش ها است که با غربی هستند و یا این که دانش آموخته دانشگاه های غربی اند و پژوهش های شان در مراکز غربی منتشر می شود. این پژوهشگران از میان افرادی انتخاب شده اند که مورد مراجعه بسیاری از شبکه های چند رسانه ای غربی هستند. کسانی که روایت آن ها نقش قابل توجهی در ایجاد تصور افکاری عمومی منطقه و جهان از سلفی ها داشته و دارد. در این مقالات برگزیده به وضعیت پیش روی سلفی ها در مصر، سوریه، الجزایر، قرقیزستان و تونس پرداخته شده است. با این تاکید که جغرافیای سلفی گری بیش از آنی است که محدود به خاورمیانه یا حتی آسیا و شمال آفریقا باشد. بنابر این لازم به تذکر است که به دلیل محدودیت هایی به سلفی ها در پاکستان، افغانستان، هند، منطقه خلیج فارس و حتی اروپا نپرداخته ایم. اما تاکید می کنیم که امروز شبکه های منسجم و پراکنده این گروه ها در تمام قاره ها وجود دارند. آن ها مانند ویروس واگیرداری هستند که از کشوری به کشور دیگر سرایت می کنند. در برابر واکنش مقاومت و خود را با شرایط جدیدشان هماهنگ می کنند. نوع پوشش آن ها از آسیای مرکزی تا شمال آفریقا شبیه به هم است. در مصر و تونس و لیبی هم دست به سلاح برده اند و دل به سلاح دموکراسی بسته اند. در قرقیزستان به دنبال خلیفه گری اسلامی هستند. در افغانستان به زندگی سراسر جنگی خو کرده اند. در کویت به پارلمان رفته اند. در عربستان شیر نفت به دست شان است. در سوریه نیز به عنوان جدیدترین میدان، به اسم جهاد مشغول خون و خونریزی هستند.

سلفی ها رویکرد مشابهی را در حوزه اندیشه اعتقادی و اندیشه سیاسی تولید و ترویج می کنند، اگرچه علمایشان در مواردی نیز "فتوا"های متفاوتی صادر می کنند. در فعالیت های سیاسی و مسلحانه نیز روش های مشابهی دارند، اگرچه ارتباط سازمانی مشخصی بین آن ها وجود ندارد. البته این ویژگی که گویی "کثرت در عین وحدت" است، تا اندازه ای به سبب شرایط خاص امنیتی آن ها است. سلفی ها به ویژه آن ها که روش های به اصطلاح خودشان "جهادی" را در پیش گرفته اند، عموماً تحت تعقیب سازمان های امنیتی ملی و منطقه ای هستند. بنابر این آن ها از شبکه های ماهواره ای و اینترنتی بسیار استفاده می کنند. رویکردی که جهت گیری کلی آن ها را هماهنگ می کند، اما شبکه های ارتباطی متعارفی که قابل پیگیری های امنیتی باشند، ایجاد نمی کند. فعالیت آن ها در حوزه اندیشه که از آن به عنوان الدعوه السلفیه نام برده می شود، توجیه کننده بسیاری از رفتارهای آن ها در حوزه سیاسی و همچنین در حوزه های مسلحانه است. در سیاست هنوز در شک و تردید دگر دیسی یا مدرنیته و دموکراسی هستند. در عملیات جهادی نیز تنها وجه مشترک شان استفاده از خشونت و رویکردهای تکفیری است که قتل عام و ترور را مجاز جلوه می دهد.

دکتر عمر عاشور
فارغ التحصیل
دانشگاه آمریکایی
قاهره است. او
دکترایش را از
دانشگاه مک گیل
گرفته است. او
کارشناس حوزه
علوم سیاسی و
حقوق بشر است
و مقالاتش در
حوزه جنبش های
اسلام گرا
مورد استفاده
اندیشکده های
غربی است

دموکراسی؛ حلال یا حرام؟!

پذیرش دموکراسی، چالش سلفی های مصر پس از انقلاب

دکتر عمر عاشور

«ما دموکراسی می خواهیم، اما آن (دموکراسی) که در چارچوب دستورات الهی باشد. حکومت بدون دستورات الهی خیانت است.» این گفته های "یاسر برهامی" دومین رهبر جماعت الدعوه السلفیه (SCS) و کاریز ماتیک ترین رهبر این جماعت است. افزایش غیرمنتظره سلفی ها در انتخابات پارلمانی مصر باعث نگرانی که در مصر هم یک حکومت اقتدارگرای مذهبی مستقر شود. پیش از انتخابات ماه نوامبر، بسیاری از مردم شک داشتند که گروه های سلفی غیرمتمرکز، بدون رهبری واحد، در سیاست بی تجربه و بر حوزه اجتماعی بحث برانگیز، بتوانند حمایتی قوی در انتخابات جلب کنند. اما آن ها با احزاب متنوع وارد انتخابات شدند که سازمان یافته ترین و زیرک ترین آن ها در سیاست، حزب نور بود که با حزب الاصله و حزب ساخت و ساز و توسعه اسلامی ائتلاف تشکیل داد. حزب نوری یکی از ۲ گروه سلفی مصری است که چند دهه قبل ایجاد شده است. گروه دوم که کمتر سیاسی است، انصار السنه است. ریشه های حزب نور به سال ۱۹۷۷ باز می گردد، زمانی که اخوان المسلمین در دانشگاه اسکندریه گروه سیاسی تشکیل داد. در واکنش به این اقدام، دانشجویانی که اعتقادات سلفی داشتند و عمدتاً دانشجویان دانشکده پزشکی بودند، "مدرسه سلفی" را برای مباحثه علیه ایدئولوژی اخوان المسلمین و سلطه اش بر فعالیت های اسلامی تشکیل دادند. در اواسط سال ۱۹۸۵ "مدرسه سلفی" خود را "جماعت الدعوه السلفیه" نامید. موسسه فرقان موسسه آموزشی این جماعت و صوت الدعوه مجله ارگان آن است، به همراه شبکه پیچیده ای از خدمات اجتماعی. از جمله "کمیته زکات" که مسئول بودجه و اداره مرکز حمایت از کودکان بی سرپرست، زنان بیوه، امداد



رسانی، ارائه خدمات درمانی رایگان و دیگر خدمات اجتماعی است. رهبری الدعوه السلفیه برای مدیریت فعالیت های خود در اسکندریه و دیگر شهرها کمیته های اجرایی، کمیته فرمانداری، جوانان، اجتماعی و مجمع عمومی تشکیل داده است. همه این ها در شرایطی بوده است که حکومت حسنی مبارک به رهبران این جنبش اجازه نمی داد که بدون اجازه سفر از مرکز تحقیقات امنیتی دولت از شهر اسکندریه خارج شوند. رژیم به طور منظم موسسات آن ها را پلمپ می کرد، جلوی انتشار نشریات شان را می گرفت و اعضای شان را دستگیر می کرد. این ظلم و ستم شاید توضیحی برای واکنش اولیه رهبران الدعوه السلفیه به انقلاب ژانویه باشد. یکی از رهبران الدعوه السلفیه (آن زمان) گفته بود «آن ها ممکن است ما را از آسمان بمباران کنند. اگر ریش مان را در میدان التحریر ببندد!» در واقع تا آخرین روزهای سقوط حسنی مبارک، رهبری دعوه السلفیه به طور رسمی از انقلاب حمایت نکرد، اگرچه فعالان و نیروهای میانی آن به اعتراض ها پیوستند، از جمله عماد عبد الغفور، رئیس حزب نور. آن چه دعوه السلفیه و بازوی سیاسی اش، حزب نور را از دیگر گروه های سلفی متمایز می کند، تجربه طولانی مدت تشکیلاتی و اداری آن و رهبران کاریز ماتیک آن است. محمد نور، سخنگوی حزب نور در قاهره به من درباره فاکتور دیگری هم که گسترش حزب را توضیح می دهد، این چنین گفت: «رسانه های لیبرال بر روی ما تمرکز شده اند. آن ها رسانه رایگان ما شده اند.» او در حالی که لیخن می زد، ادامه داد: «وقتی آن ها بهترین تلاش خود را برای... ما انجام می دهند و مردم واقعیت ما را در جامعه می بینند، متوجه می شوند که ایرادی در کار رسانه ها وجود دارد... و نه در کار ما.»

متن فوق از یک مقاله ایشان در اندیشکده اروپایی Project Sundicate انتخاب شده است.
ترجمه: سید محمد اسلامی